توبه در قرآن

نفيسه فقيهى مقدس‏

ستاد نشر رسانه‏اى مركز فرهنگ و معارف قرآن

هر چند خداوند كريم در جاى جاى قرآن دستوراتى درباره «خود سازى»، «تقوا»، «مراقبه و محاسبه» و «ياد خدا و دورى از شيطان»... براى رشد، كمال و رسيدن به سعادت ابدى و حيات جاودانه به مؤمنان داده است، اما از سوى ديگر، بخاطر زندگى انسان در دنياى ماده و ماديّات و وجود دشمنان سرسختى چون شياطين، نفس اماره، جهالت، شهوات،... گاه پرده بر روى انديشه انسان افكنده شده و در پى تبعيت از آن‏ها و ارتكاب گناه و معاصى زمينه سقوط و بدبختى او فراهم مى‏شود.

اينجاست كه خداوند حكيم براى نجات انسان از ورطه تباهى، «باب توبه و استغفار» را به روى بندگان خويش گشوده و آن‏ها را به پشيمانى و طلب بخشش دعوت مى‏كند تا راه براى بازگشت اين انسان فريب خورده باز باشد و با اميدوارى به لطف و رحمت بيكران الهى، بار ديگر براى تعالى روح خويش تلاش كند، و بر اين اساس، در آيات و روايات فراوانى انسان را به توبه و استغفار فرا مى‏خواند: «يا أَيُّهاالَّذين آمنوا تُوبوا إلى اللَّهِ تَوْبةً نَصوحاً عسَى‏ ربُّكم أَن يُكفِّر عنكُم سيِّئاتِكم»؛1اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد، به سوى خدا توبه كنيد؛ توبه‏اى خالص. اميد است پروردگار گناهان شما را بپوشاند... .

مفهوم توبه

«توبه» ترك گناه به زيباترين وجه است و اين رساترين عذرخواهى مى‏باشد و در اصطلاح شرع يعنى ترك گناه به سبب قبيح بودن آن و پشيمانى نسبت به آنچه از دست رفته و جبران اعمالى كه از دست داده است.2

آيه شريفه‏اى كه پيش‏تر به آن اشاره شد، مؤمنان را به توبه نصوح دعوت نموده است. اما در اين كه توبه نصوح چيست؟ تفسيرهاى زيادى شده است كه ما به ذكر يك روايت از پيامبر اكرم (صلى‏الله‏عليه‏وآله) در اين زمينه اكتفا مى‏كنيم:

هنگامى كه معاذ بن جبل درباره «توبه نصوح» از پيامبر سؤال كرد، آن حضرت در پاسخ فرمود: «اَن يتوب التائب ثم لا يرجع فى الذنب كما لا يعود اللبن فى الضرع»؛3 آن است كه شخص توبه كننده به هيچ وجه بازگشت به گناه نكند، آنچنان كه شير به پستان هرگز باز نمى‏گردد.

آنچه در مجموع مى‏توان با توجه به معناى لغوى و تفاسير استفاده كرد، اين است كه مراد از توبه نصوح، توبه‏اى كامل و واقعى است و چنان است كه راهى براى بازگشت به گناه در انسان باقى نمى‏گذارد.

عموميت دعوت الهى

وجوب توبه نسبت به همه اشخاص در تمام حالات عموميت دارد، به طورى كه اين موضوع در آيات و روايات به وضوح قابل استفاده است.

قرآن كريم در يك خطاب عمومى مى‏فرمايد: «... وَ تُوبُوا الى اللَّهِ جميعاً أيُّهَ المؤمنُون لَعَلَّكم تفلحُونَ»؛4 اى مومنان! همه به سوى درگاه الهى توبه كنيد، باشد كه رستگار شويد.

از آن جا كه انسان همواره در معرض گناهان و وسوسه‏هاى شيطانى قرار دارد و گاه در اثر غفلت ممكن است دچار لغزش و خطا شود، توجه به خدا و توبه به درگاه الهى نقش مهمى در جبران آلودگى‏ها دارد. البته بايد توجه داشت گناهان انبياء و اوصياء مانند گناهان ما نيست؛ گناهان ما ترك واجب و انجام محرمات است، ولى گناه آن‏ها غفلت‏هاى آنى از ياد خدا و اشتغال به مباحات است و لذا در حديث آمده است: «ان حسنات الابرار سيئات المقرّبين»؛ همانا نيكى‏هاى نيكوكاران، گناهان مقربين است.

و از اينجا روشن مى‏شود كه اعتراف انبياء و ائمه (عليهم‏السلام) به گناه، گريه و زارى ايشان به خاطر انجام محرمات الهى نيست، بلكه استغفار و توبه آن‏ها از غفلت ها و اشتغال به مباحات مى‏باشد و لذا عقاب آن‏ها با عقاب ما فرق دارد؛ جزاى ما آتش جهنم و محروميت از نعم الهى است و جزاى آن‏ها محروميت از اجر و پاداش فراوان مى‏باشد.5

فوريت توبه

بدون شك، توبه امرى است كه بايد فورى انجام شود. تا گناهى از انسان صادر شد، قبل از آن كه آثار آن در قلبش ماندگار و محو آن غير ممكن گردد، پشيمانى و توبه ضرورت دارد. قرآن كريم در اين زمينه مى‏فرمايد:

«إنَّما التَّوبَةُ على اللَّهِ لِلَّذينَ يَعمَلونَ السُّوءَ بِجَهالةٍ ثمَّ يَتوبوُنَ ِمن قريبٍ...»؛6 خداوند توبه كسانى را مى‏پذيرد كه از روى نادانى عمل زشتى مرتكب شده و فورى توبه كنند... .

و در روايات نيز اين مسأله بيان شده است:

پيامبر گرامى اسلام (صلى‏الله‏عليه‏وآله) مى‏فرمايد: بنده به حسنات و كارهاى نيك توجه مى‏كند كه آن را انجام دهد، پس اگر انجام نداد، خداوند به خاطر حسن نيت او برايش حسنه مى‏نويسد و اگر عمل نيك را انجام دهد، خداوند براى او ده حسنه مى‏نويسد، و بنده توجه به گناه مى‏كند كه آن را انجام دهد، پس اگر گناه نكرد، براى او چيزى نوشته نمى‏شود و اگر عمل گناه را انجام داد، 7 ساعت به او مهلت داده مى‏شود و صاحب حسنات به صاحب سيئات مى‏گويد: عجله نكن، اميد است حسنه و كار نيكى بياورد تا با آن، گناه محو شود؛ زيرا خداوند فرموده است: «همانا حسنات، سيئات را پاك مى‏كند»، يا استغفار و طلب آمرزش كند. پس اگر استغفار كند، چيزى بر او نوشته نمى‏شود، و اگر 7 ساعت بر او بگذرد و عمل نيكى دنبال آن نياورد يا استغفار نكند، صاحب حسنات به صاحب سيئات مى‏گويد: «بنويس براى اين بدبخت محروم از رحمت خدا.»7

در اين جا سؤالى مطرح مى‏شود كه امر به فوريت توبه براى چيست؟ با توجه به اين كه خداوند «غافرِ الذَّنبِ وَ قابِلِ التَّوبِ»8 است و هميشه توبه بندگان را مى‏پذيرد: «وَ هُو الذِى يَقْبَلُ التَّوبَةَ عَن عِبَادِهِ»،9 پس چرا به فوريت توبه امر شده است؟

پاسخ: هر چند در روايات آمده است كه هركس پيش از مرگ توبه كند، توبه‏اش مقبول مى‏باشد،10 ولى طبق بيان صريح قرآن كريم، توبه هنگام مرگ، قابل قبول نمى‏باشد: «و ليسَتِ التَّوبَةُ لِلَّذينَ يَعمَلُونَ السَّيئاتِ حتىَّ إذا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الموتُ قالَ إنّى تُبْتُ الْئنَ»؛11 توبه براى كسانى نيست كه تمام عمر بدى مى‏كنند تا زمانى مرگ يكى از آن‏ها فرا رسد، در آن حال مى‏گويد: الان توبه كردم.

مرحوم علامه مى‏فرمايد: علت عدم قبول اين گونه توبه آن است كه يأس از زندگى و ترس قيامت او را به توبه و ندامت مجبور كرده و وقتى كه نه حيات دنيوى هست و نه عمل خيرى، توبه و رجوع واقعيت نخواهد داشت، يعنى در آن موقع، توبه و برگشت حقيقى نيست.12

و از سوى ديگر، زمان مرگ براى هيچ انسانى مشخص نيست. چه بسا ناگهان مرگ انسان فرا رسد، و توبه نكرده باشد.لذا انسان همواره بايد به فكر توبه و استغفار و بازگشت از گناهان خويش باشد، مبادا كه مرگ به او فرصت محو گناه را ندهد.

علاوه بر آن، تأخير توبه و انباشته شدن گناهان، مانند چركى است كه در طول زمان انباشته شده، به آسانى قابل زوال نمى‏باشد. بنابراين به تأخير انداختن توبه، علاوه بر آن كه روح انسان را آلوده مى‏كند، و زمينه را براى تكرار گناه و ارتكاب گناهان ديگرى فراهم مى‏سازد، ممكن است هيچ گاه توفيق توبه به دست نيايد.

رابطه توبه و استغفار

در آيات فراوانى امر به «استغفار» و «توبه» شده است. توبه حقيقتى است قلبى كه همان پشيمانى از گناه و عزم ترك آن مى‏باشد و ظهور اين توبه به طلب غفران و آمرزش مى‏باشد.

حضرت على (عليه السلام) مى‏فرمايد: توبه پشيمانى قلب و استغفار با زبان است.13

به بيان ديگر؛ استغفار و طلب بخشش از درگاه الهى، يكى از مراحل توبه واقعى است كه انسان همراه با حالت پشيمانى از گناهان، از خداوند درخواست عفو و بخشش مى‏كند.

در آيه 3 سوره هود، «استغفار» و «توبه» همراه يكديگر آمده است: «وَ أنِ اسْتغفرُوا ربَّكم ثُمَّ تُوبُوا اليهِ...»؛ از گناهان خويش استغفار كنيد و به سوى او باز گرديد.

توجه به اين مطلب هم لازم است كه براى تحقق توبه و بازگشت به سوى پروردگار، طلب بخشش گناهان و استغفار ضرورى است و در حقيقت، با بررسى دقيق آيه، به همين معنا مى‏رسيم كه يكى از مراحل توبه واقعى، درخواست عفو و بخشش گناهان از درگاه حضرت دوست مى‏باشد و خلاصه اين كه استغفار، ترجمان روح توبه است.

آثار توبه و استغفار

آثار و بركات توبه و استغفار، هم از جهت معنوى و هم از جنبه مادى، قابل بررسى است كه در اينجا به برخى از آثار معنوى آن اشاره مى‏شود:

1. رحمت و مغفرت: «و من يعمَل سُوءً أَو يَظلِم نفسَهُ ثُمَّ يستَغفِرِ اللَّهَ يَجدِاللَّه غفوراً رحيماً»؛14 هر كس گناهى كرده باشد يا به خودش ظلم كند، پس استغفار كند، خداوند را آمرزنده و مهربان خواهد يافت.

در روايتى از امام باقر (عليه السلام) نقل شده است كه آن حضرت فرمود: «التائب من الذنب كمن لاذنب له»؛15 تائب چون كسى است كه گناه نكرده است.

2. گستردگى رحمت و مغفرت الهى: با وجود اين كه خداوند، در مقابل استغفار و توبه، وعده قبول و آمرزش گناهان را داده است، امّا باز جاى يك سؤال باقى مى‏ماند كه خداوند تا چه حد گناهان را مى‏بخشد؟ چه بسا سنگينى بار گناهان تا آنجا باشد كه انسان اميد عفو و بخشش الهى را در خود نبيند!

با دقت در آيات قرآن كريم، اين پاسخ به دست مى‏آيد كه در هيچ زمان و در هيچ حالى، جاى نااميدى و مأيوس شدن از درگاه الهى نمى‏باشد و رحمت واسعه الهى همواره شامل حال بندگان و به خصوص مؤمنان مى‏باشد. قرآن كريم در اين‏باره مى‏فرمايد: «قُل يا عِبادىَ الَّذين أَسرفوا عَلى أنفُسِهِم لا تَقنَطوا من رحمةِ اللَّهِ إنَّ اللَّهَ يَغفرُ الذُّنوبَ جميعاً»؛16 بگو: اى بندگان من كه بر خود اسراف و ستم كرده‏ايد! از رحمت خداوند نااميد نشويد كه خداوند همه گناهان را مى‏آمرزد.

اين آيه يكى از اميد بخش‏ترين آيات قرآن نسبت به گناهكاران است. شمول و گستردگى آن به حدى است كه طبق روايتى، اميرمؤمنان على (عليه السلام) فرمود: درتمام قرآن آيه‏اى وسيع‏تر از اين آيه نيست.17 از «ثوبان»، غلام رسول خدا(صلى‏الله‏عليه‏وآله)، نيز نقل شده است كه حضرت فرمود: دوست ندارم دنيا و آنچه را در اوست، به جاى اين آيه براى من باشد.18

از آيه شريفه استفاده مى‏شود، گنهكاران در هر مرحله‏اى و با هر نوع گناهى، از درياى بيكران رحمت الهى نوميد نباشند؛ چراكه او بخشنده و آمرزنده و رحيم است.

اين نكته قابل ذكر است كه هر چند در اين آيات و روايات، به انسان نويد بخشايش و عفو گناهان داده شده است، اما انسان مؤمن بايد همواره با بكار بستن تعاليم روحبخش قرآن، راه رشد و تعالى را براى خود فراهم سازد؛ چرا كه ايمان واقعى به انسان جرأت عصيان پروردگار را نمى‏دهد.

گناه به هر حال اثرات خود را مى‏گذارد و حتى در صورت محو آثار نيز، انسان از آن كمالاتى كه با تقوا و انجام اعمال صالح مى‏توانسته انجام دهد، محروم مى‏ماند و اين با هيچ چيز قابل جبران نمى‏باشد.

3. تنوير و صفاى دل: توبه و استغفار نقش به سزايى در شستشوى روح و صفاى دل دارد. پيامبر عظيم الشأن اسلام(صلى‏الله‏عليه‏وآله) مى‏فرمايد: «قلوب آدميان همانند فلزات به زنگار ويژه خود مبتلا مى‏شود، پس آن‏ها را بوسيله استغفار و تلاوت قرآن صيقل دهيد.»19

4. امنيت و حفاظت از وسوسه‏هاى شيطان: شيطان به عنوان دشمن ديرينه و قسم خورده انسان، لحظه‏اى از وسوسه و برنامه ريزى در جهت گمراهى انسان باز نمى‏ماند. بنابراين مسلح شدن به سلاح مبارزه و فراگرفتن راه‏هاى در امان ماندن از شر او، بايد همواره مورد توجه انسان باشد و رسول گرامى اسلام (صلى‏الله‏عليه‏وآله) مى‏فرمايد: «ثلاثة معصوم من ابليس و جنوده: الذاكرون للَّه و الباكون من خشية الله و المستغفرون بالاسحار»؛20 سه گروه از شر ابليس و لشكريان او در امانند: كسانى كه به ياد خداوند هستند، كسانى كه از ترس خدا گريه مى‏كنند و كسانى كه در سحرگاهان استغفار مى‏كنند.

5. توفيق دريافت علم نافع: «علوم و معارف نافع، از ارزاق معنوى الهى است كه در اثر گناه، انسان از فيض آن محروم مى‏گردد. ولى در پرتو طلب مغفرت و تمسك به توبه و استغفار، زمينه براى بهره‏مندى از آن علوم و معارف فراهم مى‏شود. از امام صادق (عليه السلام) نقل شده است: هركس به مدت دو ماه بطور متوالى استغفار نمايد، گنجى از علم يا ثروت، رزق و روزى او خواهد شد.21

پى نوشت‏ها:

1. تحريم/ 8.

2. به نقل از: حميد محميد، مفردات قرآن، ص 72.

3 تفسير مجمع البيان، ج 10 و 9، ص 477.

4. نور/ 31.

5. ر. ك: ترجمه محمد رضا جباران، اخلاق شبر، ص 336، ص 337.

6. نساء / 17.

7. كلينى، كافى، ج 2، ص 429.

8. و خدايى كه بخشنده گناه و پذيرنده توبه است (غافر/ 3).

9. اوست كه توبه بندگانش را مى‏پذيرد (شورى / 25).

10. كلينى،همان، ص 440.

11. نساء/ 18.

12. به نقل از: قاموس قرآن، ج 1، ص 289.

13. محمدى رى شهرى، ميزان الحكمة، ج 1، ص 541.

14. نساء / 110.

15. به نقل از اخلاق شبر، ص 334.

16. زمر/ 53.

17. تفسير نمونه، ج 19، ص 499.

18. تفسير مجمع البيان، ج 8 و 7، ص 784.

19. بحارالانوار، ج 93، ص 284؛ به نقل از: استاد زنجيرى، «در جستجوى درمان»، ص 13.

20. همان، ص 17.

21. همان، ص 18.